

The Legal Nature of Mortgage of Movable Property (Debt) in Modern French Law with an Assessment of its Feasibility in Iranian law

Mostafa Harati 

1. Department of private Law, Faculty of Law, University of Adian and Mazaheb, Qum, Iran. E-mail: m.harati@urd.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2025 August 9

Revised: 2025 September 20

Accepted: 2025 October 7

Published online:

Keywords:

Iran,
Mortgage,
France,
Movable property,
Debt.

ABSTRACT

The value and validity of any obligation is based on the guarantee of its execution, which is created either by law or by contract. Logically, an obligation that has the necessary support for the fulfillment and execution of the obligation is more likely to be accepted by the obligor or creditor. In this regard, the attention of the aforementioned person is to be able to obtain multiple guarantees. From a legal perspective, the debtor's property is the collateral for the creditors' claims, and each of them may have priority over other creditors depending on the type of claim. Among the debtor's property, only immovable property is recognized as a valid collateral, and this is because immovable property is more compatible with the formalities of a mortgage contract, especially the ability to collect and fully exercise the rights of creditors. However, in other legal systems, especially French law, the legislator's efforts have gone in this direction, in accordance with the requirements of society and to facilitate commercial and economic affairs, so that other collaterals are also recognized as claims on another person. In this research, we aim to examine the legal system of mortgage of movable property, especially debt, in modern French law, and from its results, the feasibility of realizing mortgage of debt in Iranian law will be studied.

Cite this article: Harati Mostafa . (2025). Title of paper: The Legal Nature of Mortgage of Movable Property (Debt) in Modern French Law with an Assessment of its Feasibility in Iranian law

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press



DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>

ماهیت حقوقی رهن اموال منقول (طلب) در حقوق جدید فرانسه با امکان سنجی تحقق آن در حقوق ایران

مصطفی هراتی

1. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: m.harati@urd.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی، مقاله مروری، تاریخ دریافت: 1404/5/18 تاریخ بازنگری: 1404/6/29 تاریخ پذیرش: 1404/7/15 تاریخ انتشار: کلیدواژه‌ها: ایران، رهن، فرانسه، طلب، مال منقول،	متن چکیده ارزش و اعتبار هر تعهد مبتنی بر ضمانت اجرای آن است که یا به موجب قانون و یا وفق قرارداد ایجاد می‌گردد. منطقی تعهدی که دارای پشتوانه لازم از جهت ایفا و اجرای تعهد است بیشتر از سوی متعهدله یا طلبکار مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در این راستا، توجه شخص یادشده بر آن است که تضمین‌های متعددی را بتواند کسب کند. از منظر حقوقی، اموال مدیون وثیقه طلب طلبکاران است و هرکدام بر حسب نوع طلب ممکن است نسبت به سایر دائین برتری داشته باشند. از میان اموال مدیون، تنها مال غیرمنقول به عنوان وثیقه معتبر شناخته می‌شود و آن به این جهت است که مال غیرمنقول با تشریفات عقد رهن به خصوص قابلیت قبض و استیفای کامل حقوق طلبکاران سازگاری بیشتری دارد. اما در نظام‌های حقوقی دیگر، به خصوص حقوق فرانسه، تلاش قانون‌گذار بر حسب مقتضیات جامعه و ایجاد سهولت در امور تجاری و اقتصادی به این سو رفته تا سایر وثایق همچون طلب برعهده دیگری نیز مورد شناسایی قرار گیرد. در این پژوهش بر آن هستیم تا نظام حقوقی رهن اموال منقول به‌ویژه طلب را در حقوق جدید فرانسه مورد بررسی قرار دهیم و از رهاورد آن، امکان‌سنجی تحقق رهن طلب در حقوق ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

استناد: نام خانوادگی، هراتی مصطفی (1404). عنوان مقاله. ماهیت حقوقی رهن اموال منقول (طلب) در حقوق جدید فرانسه با امکان سنجی

تحقق آن در حقوق ایران. عنوان مجله. حقوق خصوصی، 58 (1)، 1-20.

<http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

به طور کلی در جامعه حقوقی ایران یک نگاه منفی نسبت به ماهیت حقوقی عقد رهن وجود دارد، چراکه راهن بدون اینکه معوض اقتصادی و مالی را به دست آورده باشد مال خود را در رهن دیگری قرار می دهد و ضبط مال و فروش آن جهت پرداخت دین مدیون ضمانت اجرای سنگینی است. همین نگرش سبب شده است که این تأسیس حقوقی همچنان در وضعیت اولیه و سنتی خود باقی بماند و بر این اساس در ارکان آن تحولات خاصی صورت نپذیرفته است. از سوی دیگر، در حقوق ایران عقد رهن از نوع عقود عینی است؛ به بیان دیگر در آن، قبض شرط صحت است و به واسطه اینکه قبض ضرورت دارد عینی بودن آن نیز حائز اهمیت است. باید مال مرهونه از نوع مال غیرمنقول باشد و قانون مدنی به اقتباس از فقه تمام احکام و آثار آن را تبیین کرده است. در متون فقهی نیز حسب شرایط و اوضاع و احوال آن زمان، صرفاً رهن نسبت به اموال غیرمنقول در نظر گرفته شده بود و اموال منقول به عنوان موضوع عقد رهن شناسایی نشده بود. این منشأ سبب شد تا رهن تکبُعدی باشد و صرفاً در مورد اموال غیرمنقول ایجاد گردد.

در حقوق کشورهای دیگر در زمینه نهاد حقوقی عقد رهن تحولات گسترده ای صورت گرفته و چهره منفی آن به مرور زمان زدوده شده و از آن به عنوان وسیله ای در جهت توسعه فعالیت های تجاری، تولیدی و اقتصادی استفاده شده است. در واقع، اگر تضمین های قراردادی به موارد خاصی نظیر رهن اموال غیرمنقول و یا ضمانت نامه بانکی محدود باشد، موانع متعددی به وجود می آید و این در تعارض با ماهیت اعمال تجاری است؛ اعمالی که بر پایه سرعت در عمل بنا شده اند و می طلبد که تجار و اعمال تجاری آنان درگیر قواعد و مقرراتی نباشند که در تعارض با اهداف مورد اشاره است. بنابراین با شناسایی رهن اموال منقول، به خصوص منقول اعتباری، زمینه رشد اقتصادی بیشتری فراهم می شود و در عمل، تمام اقدامات و اعمال مالی و حقوقی شفافیت حداکثری پیدا می کنند.

قانون مدنی فرانسه بر مبنای نگرش قانون گذاران سال 1804، وفادار به دیدگاه کلاسیک در مورد بسیاری از مفاهیم حقوقی از جمله رهن بوده اند. ایجاد محدودیت در قدرت مالکیت راهن از منظر تدوین کنندگان قانون مدنی، رکن اساسی در رهن را ایجاد می کند. به مرور زمان و بر حسب اقتضائات زمانه و جهت تسهیل در مراودات، این دیدگاه بین حقوق دانان ایجاد شد که نباید راهن محدودیتی

در تصرف مالکانه خود داشته باشد و صرفاً تقدم نسبت به سایر طلبکاران در وصول طلب می‌تواند مبنایی برای شناسایی عقد رهن باشد. بر این اساس در اصلاحات قانونی صورت گرفته، به‌خصوص بر اساس اصلاح حقوق قراردادها در سال 2006، قانون‌گذار فرانسوی در مقام آن برمی‌آید که رهن تمام اقسام اموال منقول اعم از مادی و اعتباری را شناسایی نماید (Bourassin, 2014 p. 59). اما در جریان این اصلاحات، ابتکار و تدبیر قانونی بر آن بوده است که اموال منقول به‌طور مجزا و در دو قالب مادی و اعتباری مورد سنجش قرار گیرد و در هرکدام روند حقوقی متفاوتی طی شود، زیرا تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد؛ نظیر آنکه رهن اموال منقول اعتباری به دو صورت قراردادی و قضایی واقع می‌شود، درحالی که رهن مال منقول مادی صرفاً می‌تواند ماهیتی قراردادی داشته باشد. از سوی دیگر، انواع مختلف رهن حسب مزایای مربوطه در قسمت‌ها و بخش‌های مختلف قانونی مورد شناسایی قرار گرفته است که ازجمله می‌توان به رهن سرقفی اشاره کرد.

1. نقش اموال اعتباری در حقوق

اموال غیرمادی نسبت به گذشته جایگاه ویژه و ارزشمندی را به‌دست آورده و جنبه اعتباری آن که ارزش اقتصادی دارد افزایش یافته است. از سوی دیگر، مزیت‌های زیادی نسبت به اموال مادی دارند ازجمله آنکه در معرض ازبین رفتن و تخریب و کسر ارزش اقتصادی نیستند و برای اینکه موضوع عقد رهن قرار گیرند گزینه مناسبی محسوب می‌شوند. همچنین در جریان اقدامات قانونی نظیر نقل و انتقال و بازداشت، مشکلاتی که در حوزه اموال عینی وجود دارد در این زمینه دیده نمی‌شود و سهولت قضایی را برای دستگاه قضا و نهادهای اجرایی به‌وجود آورده است. این مهم در تجارت بین‌الملل دارای ارزش بالایی است، به‌ویژه آنکه نقل و انتقال آن از مرزها و از کشوری به کشور دیگر بدون محدودیت صورت می‌گیرد. این موارد سبب شده است تا توافق برای به رهن گذاشتن و ایجاد وثیقه نسبت به این اموال بیشتر صورت گیرد و مورد استقبال واقع شود. سبد اموال اعتباری در انواع مختلفی قابل بررسی و شناسایی است و حقوق مال ناشی از قرارداد، مطالبات، مالکیت فکری و غیره را شامل می‌شود.

مطالبات در میان اموال اعتباری دارای ماهیت حقوقی دوجهی است؛ به این معنا که اساس طلب بر یک رابطه تعهدی بین دائن و مدیون دایر بر پرداخت وجهی استقرار یافته است. لذا می‌توان آن را در قالب حق تعهدات مورد تحلیل قرار داد. برخلاف گذشته که مدیون در طلب شخصاً تحت سیطره و کنترل دائن قرار می‌گرفت و در اثر عدم پرداخت به بردگی طلبکار می‌آمد، در حال حاضر صرفاً ذمه مدیون در این رابطه متعهد است و در اثر عدم پرداخت به بردگی در نمی‌آید و این یک تحول مهم در جریان تاریخ حقوق تعهدات و قراردادها است. اما وجه دیگر دین بر جایگزینی نسبت به اموال قرار می‌گیرد. در واقع در صورتی که مدیون از پرداخت دین استنکاف ورزد، اموال او موضوع ایفای تعهد قرار می‌گیرد و اصطلاحاً می‌گویند از محل اموال او دین مستهلک می‌گردد. از منظر حقوقی، هریک از این خصیصه‌ها در ارتباط با یکدیگر است و در اثر این رابطه است که طلب ماهیت حقوقی خود را پیدا می‌کند و دارای ضمانت اجرای لازم می‌شود. بنابراین، طلب مالی را می‌توان نوعی از حق در نظر گرفت که در رابطه مستقیم بین حقوق تعهدات و حقوق اموال^۱ است.

مطالبات مالی نوعی مطمئن از اموال غیرمادی است که می‌تواند بدون هیچ مقاومتی موضوع سند رهنی قرار گیرد؛ چراکه در ایفا و پرداخت آن تضمین وجود دارد. در واقع اگر مدیون دین را ایفا نکند، طلبکار می‌تواند از اموال مدیون طلب خود را دریافت نماید. لذا زمانی که دائن طلبی را به رهن ثالث به‌عنوان تضمین پرداخت دین خود قرار می‌دهد، این اطمینان برای انتقال‌گیرنده وجود دارد که در صورت مراجعه به دین ناشی از سند رهنی، بدون مشکل به طلب خود خواهد رسید.

2. اطلاع مدیون از عقد رهن و مکتوب بودن آن

در قانون قدیم فرانسه و بر حسب ماده 2075 قانون مدنی^۲، اطلاع شخص مدیون از اینکه بین دائن و ثالث انعقاد عقد رهنی در خصوص دین صورت گرفته است شرط ضروری شناخته می‌شد و این خود

^۱ Droit des biens

^۲ Article 2075

Le privilège énoncé en l'article précédent, ne s'établit sur les meubles incorporels, tels que les créances mobilières, que par acte public ou sous seing privé, aussi enregistré, et signifié au débiteur de la créance donnée en gage.

به یکی از ابهامات حقوق فرانسه تبدیل شده بود. عموماً این عقیده ابراز شده است که مدیون باید از عقد رهن نسبت به دین خود مطلع شود بدون اینکه رضایت او در این خصوص ضرورت داشته باشد. در واقع، اثر قراردادهای نسبی و صرفاً در خصوص طرفین آن دارای اثر و اعتبار است، اما نباید یک تعهد موجب ورود ضرر به دیگری شود. در وضعیتی که طلبی در رهن دیگری قرار می‌گیرد مدیون با آنکه میل و رغبتی به ایفای دین نسبت به ثالث ذی‌نفع ندارد، باید تن به این عقد دهد. اما اطلاع مدیون از پروسه رهن این‌گونه است که اظهارنامه‌ای برای او ارسال می‌شود یا اینکه مدیون در زمان منعقد شدن رهن حاضر خواهد بود. اما اگر چنانچه متعهد دین از انتقال طلب و عقد رهن مطلع نشود، وفق اصل آزادی قراردادی، این انتقال معتبر و موجب آثار قانونی لازمه خواهد بود، اما نسبت به مدیون قابلیت استناد³ ندارد (Legais, 1986, p. 225). از سوی دیگر، ضرورت دارد که رهن یادشده به صورت مکتوب و از طریق دفاتر اسناد رسمی تنظیم شود و مدیون نیز با این انتقال به صورت کتبی و رسمی موافقت نماید. این موضوع بیانگر آن است که قانون درصدد آن بوده است تا انعقاد رهن طلب بیشتر جنبه رسمی و تشریفاتی داشته باشد و جزء عقود رضایی نباشد (Com. 19 mai 1980, Bull. civ. IV, no 293, D. 1980. 443, note A. Bénabent). رعایت این روند شکلی تا آنجا دارای اهمیت است که دیوان عالی فرانسه اعلام می‌نماید در صورتی که رهن منعقد دارای این شرط یا خصیصه نباشد، ماهیت واقع شده صرفاً تعهد به رهن⁴ است. اهمیت موارد شکلی پیش گفته در سایر موارد هم تأثیرگذار بوده است؛ برای مثال، در صورتی که مدیون تاجر باشد و پروسه توقف و ورشکستگی شروع شود، رهن دین و حتی قبولی بعد از آن تاریخ هم قابل قبول نیست و رهن منعقدشده فاقد آثار قانونی است (Com. 23 janv. 2001, no 98-10.974). لذا مشاهده می‌شود که نه تنها قانون خود محدودیت شکلی در روند انعقاد عقد رهن ایجاد کرده بود، بلکه رویه قضایی در مقام تفسیر موسع از متن قانون

امتیاز مندرج در ماده پیشین، فقط نسبت به اموال منقول غیرمادی - مانند مطالبات منقول - در صورتی برقرار می‌شود که این امر به موجب سند رسمی یا سند عادی دارای امضا که همچنین به ثبت رسیده باشد، صورت گیرد و به بدهکار طلب مورد رهن نیز ابلاغ شود.

³ Opposabilité

⁴ Promesse de gage

بوده، نظیر آنکه در بسیاری از موارد رهن منعقدۀ را به واسطۀ عدم رعایت مکتوب بودن و اطلاع مدیون باطل اعلام کرده است.

با اصلاحات قانونی سال 2006، دیگر ضرورتی مبنی بر اینکه رهن باید به صورت کتبی و رسمی منعقد شود، وجود ندارد و اگر عقد رهن به صورت عادی هم تنظیم شده باشد می تواند موجب آثار حقوقی و قانونی گردد و از سوی دیگر ارسال اظهارنامه منتفی شده، صرفاً این اختیار برای دائن وجود دارد که عقد رهن را در صورت صلاحدید به اطلاع مدیون برساند.

3. انواع موضوع عقد رهنی

گذشته از تحولات قانونی، به واسطۀ اینکه ایجاد محدودیت در مالکیت عین مرهونه به عنوان اصل بنیادین در انعقاد عقد رهن مطرح بود، عقد یادشده شمول و گستردگی قابل توجهی نداشت، اما به مرور زمان و با عبور از این قاعده، مصادیق موضوع عقد فراوانی متنوعی پیدا کرد. حتی در رویۀ قضایی به این سمت و سو رفت که طلبی که در آینده ایجاد خواهد شد نیز می تواند مبنایی برای انعقاد عقد رهن باشد. اما در این فرض جزئیاتی همچون زمان ایجاد طلب، مبلغ، مدیون و مکان پرداخت یا مبادله باید معلوم و معین باشد. بررسی پاراگراف سوم مادۀ 2356 قانون مدنی فرانسه در مقام تبیین این شرایط ضروری است. از سوی دیگر، رهن زمانی می تواند محقق گردد و به حقوق ایجادشده از عقد رهن استناد کند که طلب ایجاد شده باشد. به نظر می رسد ماهیت عقد رهن در این وضعیت جنبۀ معلق داشته باشد⁵ (Aynès, 2007, p. 48).

⁵ Article 2356 :

A peine de nullité, le nantissement de créance doit être conclu par écrit. Les créances garanties et les créances nanties sont désignées dans l'acte. Si elles sont futures, l'acte doit permettre leur individualisation ou contenir des éléments permettant celle-ci tels que l'indication du débiteur, le lieu de paiement, le montant des créances ou leur évaluation et, s'il y a lieu, leur échéance. عقد رهن طلب باید به صورت کتبی منعقد شود. در غیر این صورت باطل در نظر گرفته می شود. در سند رهن، مطالبات تضمین شده و مطالبات موضوع رهن باید به طور صریح تعیین شوند. چنانچه این مطالبات آینده باشند، سند باید امکان شناسایی فردی آن ها را فراهم آورد یا حاوی اطلاعاتی باشد که چنین شناسایی را ممکن سازد، از جمله: ذکر نام بدهکار، محل پرداخت، مبلغ مطالبات یا نحوه ارزیابی آن ها، و در صورت وجود، سررسید آن ها.

از سوی دیگر، وفق قانون قدیم و جدید، این امکان در نظر گرفته شده است که منافع مرتبط با طلب موضوع عقد رهنی که به مرور زمان به وجود می آید نیز مشمول عقد رهن می شود. در واقع، به تبعیت از اصل طلب، منافع آن نیز مشمول احکام رهن خواهد بود و مرتهن می تواند طلب خود را از اصل و فروع آن دریافت کند. اما ابداع جالب قانون گذار فرانسوی بر آن بوده که چنانچه مبلغ طلب مرتهن کمتر از اصل مبلغ طلب موضوع عقد رهن باشد در این فرض از منافع باید طلب استیفا گردد و در نهایت مدیون باید طلب را در برابر رهن پرداخت نماید (Domat, 1696, p. 149). در حقیقت، دلیل این امر ارتباط و یکپارگی مال مرهونه است و اینکه مرتهن نمی تواند مازاد بر طلب خود حقی را به دست آورد. در ادامه، موارد مهمی از عقد رهن نسبت به اموال منقول غیرمادی یا اعتباری تشریح می گردد.

3.1. رهن حساب بانکی

رهن حساب بانکی یکی از انواع خاص از رهن منقول است که در اصلاحات اخیر از سوی قانون گذار فرانسوی نظام حقوقی آن تبیین گردید. شناسایی این نوع از رهن از آن جهت قابل توجه است که حساب بانکی اشخاص در نظام پولی و بانکی فرانسه دارای اعتبار خاصی است. اولاً اشخاص نمی توانند در بانک های مختلف حساب های بانکی متعددی داشته باشند، چراکه به موازات آن باید مالیات بیشتری پرداخت نمایند و از سوی دیگر بانک در جریان ارائه خدمات مابه ازایی یا هزینه خدمات را دریافت می کند. ثانیاً تمامی اشخاص بر حسب شغل و میزان درآمد تا مبلغی معین نزد بانک دارای اعتبار هستند؛ به این معنا که اگر حساب بانکی آنان منفی شد، بانک تا مبلغی معین تعهد بر پرداخت را برعهده دارد و صاحب حساب باید در مهلت معین این کسری حساب را تأمین کند. اگر حساب شخص مانده بدهی زیادی داشته باشد و تعیین تکلیف نشود، امکان افتتاح حساب در سایر بانک ها اساساً وجود نخواهد داشت. لذا حساب بانکی فی نفسه خود دارای ارزش اقتصادی است. شخص می تواند حساب بانکی را به عنوان تضمین رهن دین قرار دهد و در هنگام انعقاد عقد رهن باید مبلغ حساب بانکی معین باشد، خواه آنکه در آن هنگام این مبلغ در حساب بانکی وجود داشته باشد یا امکان تأمین آن در آینده فراهم شود.

ماده 2356 قانون مدنی فرانسه در مقام تبیین شرایط این نوع از عقد رهن است. حساب بانکی می‌تواند مربوط به ثالثی باشد که به شخصی مدیون است و شخص اخیر در برابر دیگری متعهد به پرداخت در مورد تعهدی است. در این حالت، در صورتی که انعقاد عقد رهن به اطلاع صاحب حساب رسیده باشد این اطلاع باعث می‌شود که حق ذی‌نفع رهن در برابر دیگران قابل استناد گردد؛ به‌خصوص اینکه چنانچه در این وضعیت، نسبت صاحب حساب عملیات تصفیه، ورشکستگی و یا سایر مواردی که اشخاص دیگر به‌عنوان محکوم‌له اقداماتی جهت وصول طلب آغاز می‌کنند، رهن می‌تواند به حق تقدم خود استناد کند. البته بانک‌ها به‌منظور تأمین مبلغ موضوع عقد رهن و پرداخت آن، ابتدا تمام چک‌های صادره را پرداخت می‌نمایند و پس از اینکه کلیه عملیات واریز وجه خاتمه یافت، نسبت به مرتهن اقدام به پرداخت می‌کنند (Synvet, 2007, p. 62). در شرایطی که پروسه قضایی در جریان باشد، مبلغ محکوم‌به و مبلغ موضوع عقد رهن توأمان محاسبه می‌شوند؛ ابتدا مبلغ رهن و سپس محکوم‌به پرداخت می‌گردد. مازاد بر طلب مرتهن نیز متعلق به سایر طلبکاران خواهد بود. از سوی دیگر این اختیار برای اصحاب قرارداد رهنی وجود دارد که این امکان را برای مرتهن در نظر بگیرند که در شرایط خاصی بر حسب مورد، تقاضای بلوکه شدن موجود حساب را از بانک درخواست کنند. اگر این توافق به اطلاع بانک برسد، بانک وفق مفاد توافق عمل خواهد کرد (Gijsbers et Julienne, 2015, p. 28).

3.2. رهن طلب تضمین‌شده با رهن

رهن طلب تضمین‌شده با رهن دیگری، قسم دیگری از رهن منقول است. در این حالت، رهن در واقع طلبی را در رهن مرتهن قرار می‌دهد که این طلب با رهنی دیگر تضمین شده است؛ نظیر آنکه مؤسسه مالی و اعتباری تسهیلاتی را به دیگری اعطا می‌کند و تسهیلات‌گیرنده در قبال آن ملکی را به وثیقه قرار می‌دهد. چنانچه این مؤسسه در قبال بانک دیگر یا در قراردادهای خود با اشخاص ثالث قصد ایجاد رهن و تضمین داشته باشد، طلبی که از تسهیلات‌گیرنده دارد در رهن طرف مقابل قرار می‌دهد. در این وضعیت طلب با رهن دیگری که همان وثیقه ملکی است تضمین شده است. وجه تمایز این نوع از رهن در آن است که رهن موردنظر باید از نوع مال غیرمنقول باشد و از سوی دیگر از نظر

شکلی ضرورت دارد وفق قانون تعیین طریق انتقال طلب⁶ مصوب 1967، با روش ظهنرویزی⁷ و از مجرای دفاتر اسناد رسمی این انتقال تضمین شده باشد. در واقع، برگه مخصوص شناسایی طلب با ظهنرویزی⁸ در دفتر اسناد رسمی منتقل می‌شود. سردفتر در ادامه، مستندات این رهن را به کلیه طرفین آن از طریق اظهارنامه رسمی ابلاغ می‌نماید و بر حسب ماده 6 همان قانون از تاریخ ابلاغ است که آثار این رهن نسبت به دین تضمین شده محقق می‌شود. از سوی دیگر مدیون با طی تشریفات یادشده، دیگر نمی‌تواند مدعی عدم ایفای دین در برابر ثالث گردد و به استثنائات استناد کند؛ در واقع، رهن صورت گرفته قابلیت استناد در قبال او را پیدا می‌کند (Com. 14 janv. 2014, no 12-22.909. (, D. 2014. 206, obs. A. Lienhard ; JCP 2014. Doctr. 636, no 7, obs. Ph. Pétel).

3.3. رهن طلب به عنوان تضمین تعهدات مالی

رهن طلب به عنوان تضمین تعهدات مالی، نوع دیگری از رهن منقول است که در آن صرفاً طلب از ثالث، نقش تضمین را ایفا می‌کند و دائن می‌تواند در روابط قراردادی خود با دیگران آن را وثیقه دین خود قرار دهد و در صورت عدم ایفای تعهدات مربوطه، این حق برای ذی نفع رهن برقرار است که به مدیون مراجعه و پرداخت را مطالبه نماید (Auckenthaler, 2005, p. 43). در واقع به علت آنکه در نظام اقتصادی فرانسه شفافیت کامل در کلیه امور اقتصادی اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی وجود دارد، هر تعهدی دارای ارزش مالی خواهد بود و به واسطه شیوه‌های مختلف امکان استیفای طلب وجود خواهد داشت و اشخاص فراتر از توان مالی و اقتصادی خود ایجاد تعهدات نمی‌کنند؛ چراکه ایجاد دین بدون پشتوانه، ضمانت‌های اجرای کیفری و حقوقی متعددی در پی خواهد داشت. اتحادیه اروپا در سال 2000 طی دستورالعملی⁹ امکان چنین رهنی را مطرح می‌کند و متعاقب آن در سال 2005 قانون‌گذار فرانسوی رهن یادشده را شناسایی¹⁰ و نظام حقوقی آن در ماده L211-36 قانون پولی و مالی¹¹ خود تبیین می‌نماید. در مقررات پیش گفته سعی بر آن شده است تا حداکثر حمایت از حقوق

⁶ loi no 76-519 du 15 juin 1976

⁷ Endossement

⁸ Copie exécutoire à ordre de la créance

⁹ no 2002/47/CE, JO no L 168 du 27 juin, p. 43

¹⁰ Ordonnance no 2005-171 du 24 février 2005

¹¹ Code monétaire et financier

مرتبه صورت گیرد؛ از جمله آنکه در صورتی که رهن متوقف و ورشکسته شود و پروسه بازسازی تجاری^{۱۲} و یا تصفیه^{۱۳} در جریان باشد و یا اینکه از طریق اجرای احکام توقیف^{۱۴} اموال او صورت گیرد، تأثیری در حقوق رهن ندارد؛ چراکه حق رهن مقدم بر سایر حقوق است. البته در فرض ورشکستگی ضرورت دارد در عقد رهن در تاریخ توقف منعقد نشده باشد (JCP 2011. Doctr. 226, no 19, obs. Ph. Delebecque; D. 2010. 1340, obs. A. Lienhard).

3. 4. رهن بیمه عمر

رهن بیمه عمر از جمله مواردی است که نظام حقوقی آن بر حسب اهمیت از جانب قانون تعیین شده است. از باب بیمه عمر باید بیان داشت که نهاد یادشده به مرور زمان از سوی قانونگذار فرانسوی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است از جهت اینکه کارایی زیادی می‌تواند داشته باشد، اعم از اینکه برای بازماندگان بعد از فوت بیمه‌گذار اموالی خواهد رسید که در این حالت، موازی با وصیت عمل می‌کند یا آنکه در حین حیات بیمه‌گذار و بعد از اتمام مدت زمان انقضای بیمه، مبلغی که دربردارنده اصل مبلغ واریزی به انضمام سود و منفعت است از سوی بیمه‌گر پرداخت می‌شود که اکثراً برای بعد از زمان بازنشستگی است و سرمایه‌ای برای ادامه زندگی شمرده می‌شود. بنابراین، بر حسب ماهیت، سرمایه‌گذاری از منظر حقوقی دارای ارزش اقتصادی است و ما می‌توانیم آن را به عنوان مصداقی از سبب دارایی اشخاص لحاظ نماییم. بر این مبنا و حسب مالیتی که دارد این امکان هست که بیمه‌گذار آن را به عنوان وثیقه دیون خود در برابر ثالث قرار دهد و در صورتی که متعهد، دیون خود را ایفا نکند، طلبکار می‌تواند به بیمه‌گر مراجعه و مطالبه طلب نماید. در این حالت، از ارزش بیمه عمر کاسته می‌شود؛ به این طریق که چنانچه دین به مبلغ 30 هزار یورو باشد و قیمت بیمه با احتساب مبالغ واریزی و سود حاصله مبلغ 50 هزار یورو گردد، در نهایت ارزش بیمه به 20 هزار یورو کاهش پیدا می‌کند (Civ. 2e, 2 juill. 2020, no 19-11.417, D. 2020. 1452 ; Rev. prat. rec. 2020. 6, obs. D. Cholet ; Rev. prat. rec. 2020. 7, obs. D. Cholet).

¹² Redressement judiciaire

¹³ Ouverture d'une procédure collective

¹⁴ Saisie

موافقت کتبی و به موجب اسناد رسمی از سوی شرکت بیمه‌گر ضرورت دارد در واقع ما با یک موافقت‌نامه سه‌جانبه روبه‌رو هستیم. علت این موضوع آن است که احتمال دارد اختیارات طلبکار، حقوق بیمه‌گذار یا مدیون را تحت شعاع قرار دهد؛ لذا رضایت او نسبت به قرارداد رهن ضروری است (Leblond, 2007, p. 140). از سوی دیگر، ابهامی که مطرح می‌شود در فرضی است که ذی‌نفع بیمه‌گذار نباشد؛ به عبارت دیگر، ممکن است بیمه‌ عمر در نفع و انتفاع شخص ثالث و عموماً ورثه منعقد شده باشد. در این وضعیت، تردید وجود دارد که آیا حسب دخیل بودن حقوق شخص ثالث، امکان رهن وجود دارد یا خیر؟ تا قبل از سال 2007 رویه قضایی متضادی در این زمینه وجود داشت تا اینکه در اصلاحات همان سال قانون رهن را معتبر دانست و حتی در فرضی که ثالث قبولی مبنی بر برخورداری از منافع بیمه عمر را اعلام داشته باشد، طلبکار می‌تواند طلب خویش را از محل ارزش مالی بیمه مطالبه کند. درواقع این دیدگاه مطرح می‌شود که تا زمانی که فوت بیمه‌گذار واقع نشده است، قرارداد بیمه جزء دارایی او محسوب می‌گردد و بعد از فوت است که حقوق ثالث به موضوع قرارداد استقرار پیدا می‌کند. لذا تا قبل از فوت، حق ثالث ثابت نیست و وضعیتی متزلزل دارد (Billiau, 2005, p. 205). البته در باب حدود اختیارات بیمه‌گذار، ذکر این نکته ضروری است که اعمال تغییراتی به نحوی که حقوق طلبکار را تحت شعاع قرار دهد معتبر نخواهد بود. درواقع ممکن است بیمه‌گذار با سوء نیت اقدام به تغییر نحوه واریز وجه و حتی چگونگی بازپرداخت نماید. این اقدام قابلیت استناد در برابر طلبکار را نخواهد داشت؛ از سوی دیگر حسب آنکه بیمه‌گر نیز در جریان انعقاد رهن قرار گرفته باشد، درخواست بیمه‌گذار از باب تغییر را قبول نخواهد کرد (Com. 12 juill. 2005, no 04-10.214, Bull. civ. IV, no 175, D. 2005. 2142, obs. X. Delpech, JCP 2005. I. 185, no 17, obs. Ph. Delebecque).

4. نحوه اجرای رهن

در حقوق ایران در باب رهن این‌گونه آمده است در صورتی که راهن یا مدیون اصلی دین خود را پرداخت نکند، این حق برای مرتهن وجود دارد که طلب خویش را از راهن بخواهد و در صورتی که طلب استیفا نشود، تأمین طلب از محل وثیقه صورت می‌گیرد. در حقوق فرانسه نیز چنین روندی

وجود دارد اما در رویه قضایی این سؤال مطرح است که آیا مرتهن می‌تواند با عدم پرداخت دین اصلی از سوی مدیون اولیه مستقیماً به وثیقه رجوع کند و آن را به مالکیت خود درآورد. مبنای این ایده آن است که مرتهن دارای حقی تبعی نسبت به مال موهونه است و با عدم استیفای دین، موجبات انتقال خودبه‌خودی مال به مالکیت مرتهن برقرار می‌شود. در رویه قضایی فرانسه شرط تملیک در صورت عدم پرداخت بدهی^{۱۵} اساساً ممنوع شده است؛ چراکه در این حالت ممکن است مال موهونه دارای ارزش اقتصادی بالایی باشد و از طریق تملیک مستقیم موجبات دارایی ناعادلانه^{۱۶} فراهم می‌گردد. از سوی دیگر، عقد رهن صرفاً موجب حق تمایز در استیفای طلب در برابر سایر طلبکاران خواهد بود. اگر امکان تملیک مستقیم وجود داشته و آن ملک نیز دارای ارزش اقتصادی بالایی باشد، در عمل مدیون و سایر طلبکاران متضرر خواهند شد (Billiau, Mestre, Putman, 1996, p. 207). البته در مقابل اشاره شده است که به‌واسطه آنکه ارزش اقتصادی مال موهونه و میزان طلب مشخص است، امکان استیفای ناروا وجود ندارد و طلبکار در عمل به میزان واقعی طلب خود می‌رسد (Com. 5 mars 1985, Bull. civ. 1987, no 86, 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 573). در برخی از این موارد، این راه‌حل در نظر گرفته شده بود که راهن می‌تواند نوعی نمایندگی به مرتهن بدهد و بر اساس این نمایندگی و اختیار است که قادر است مال را تملیک کند (Com. 16 avr. 1996, no 94-14.618). در حقوق ایران و در نظام بانکداری، سابقاً بانک‌ها از این امکان استفاده می‌کردند؛ به این نحو که از رهن‌دهنده در فروش بلاعزل مال موهونه وکالت‌نامه می‌گرفتند و با عدم پرداخت اقساط و به‌منظور تسویه تسهیلات، اقدام به انتقال مال به خود می‌کردند. بانک مرکزی در مقام مقابله با این رویه، بخشنامه‌ای صادر و أخذ این نوع از وکالت‌نامه‌ها را ممنوع اعلام کرد و در پی آن، اسناد انتقال یافته از سوی محاکم ابطال شد و متعاقباً در بودجه سال 1391 قانون‌گذار چنین ممنوعیتی را رأساً و عملاً وارد قانون کرد. اما در عمل این مشکل قضایی به‌وجود آمد که ملک با ابطال اسناد انتقال، دیگر به وضعیت رهنی سابق بر نمی‌گشت و ملک به مالکیت اولیه راهن درمی‌آمد که می‌توانست به ثالث آن را منتقل نماید. در

¹⁵ Pacte comissoire

¹⁶ Enrichissement sans cause

واقع، اعاده وضع به حالت سابق و در رهن قرار گرفتن ممکن نبود، چراکه ملک عملاً فک رهن شده بود (توفیق، 1403، ص 164).

در مورد زمان امکان مراجعه به راهن نیز باید بیان داشت که اگر طلب حال نباشد، در این صورت مرتهن باید صبر کند تا موعد پرداخت طلب فرا برسد. در فرضی که در عقد رهن موعدی پیش‌بینی شده باشد و این زمان قبل از موعد طلب مرتهن باشد، امکان استیفای طلب از قبل وجود ندارد. در واقع، رهن، نوعی ضمانت در پرداخت دین اصلی را فراهم می‌کند (Com. 15 oct. 1991, no 90-10.530). اما رویه قضایی این امکان را در نظر گرفته است که پرداخت دین از سوی راهن قبل از فرارسیدن دین اصلی انجام شود؛ با این شرط که این مبلغ باید در حساب بانکی تا زمان حال شدن دین واریز و نگهداری شود تا به این پول منفعت و سود تعلق گیرد و در نهایت از آن محل استیفای طلب محقق شود (Com. 5 mars 1985, 57 Bull. civ. IV, no 86 ; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 57). در اصلاحات 2006 قانون مدنی فرانسه چنین منطقی مورد پذیرش و قانون‌گذاری قرار گرفت. ماده 2364 قانون مدنی¹⁷ مشعر بر آن است که طلبکار می‌تواند وجه نقد مرتبط با عقد رهن را در مؤسسات مالی و اعتباری که به این منظور ایجاد شده‌اند نگهداری کند تا موعد ایفای تعهد متعهد اصلی فرا برسد. در صورتی که مرتهن ورشکسته شود این طلبکار بر حسب حق تقدم بر سایر طلبکاران دارای حق تقدم است و تا میزان طلب خود می‌تواند از حساب بانکی یادشده برداشت کند و الباقی به طلبکاران مرتهن خواهد رسید.

¹⁷ Article de 2364

Les sommes payées au titre de la créance nantie s'imputent sur la créance garantie lorsqu'elle est échue. Dans le cas contraire, le créancier nanti les conserve à titre de garantie sur un compte spécialement affecté ouvert à cet effet auprès d'un établissement habilité à les recevoir à charge pour lui de les restituer si l'obligation garantie est exécutée. En cas de défaillance du débiteur de la créance garantie et huit jours après une mise en demeure restée sans effet, le créancier affecte les fonds au remboursement de sa créance dans la limite des sommes impayées.

مبالغی که بابت طلب موضوع رهن پرداخت می‌شود، در سررسید، بابت تهاتر یا کسر از طلب تضمین‌شده محسوب می‌گردد. در غیر این صورت، طلبکار مرتهن این مبالغ را به‌عنوان تضمین نزد خود نگه می‌دارد، در حسابی که به این منظور و نزد یک مؤسسه مجاز برای دریافت وجوه افتتاح شده است، با تعهد به اینکه در صورت اجرای تعهد تضمین‌شده، وجوه را مسترد نماید. در صورت قصور بدهکار در انجام تعهد مربوط به طلب تضمین‌شده، و پس از گذشت هشت روز از ارسال اظهارنامه‌ای که بی‌نتیجه مانده باشد، طلبکار مرتهن این وجوه را در حدود مبلغ باقیمانده بدهی، به پرداخت طلب خود اختصاص می‌دهد.

البته به لحاظ شکلی ضرورت دارد در جریان شروع پروسه تصفیه و ورشکستگی که وفق ماده L622-7 قانون تجارت فرانسه تصدیق طلب صورت می‌گیرد، به‌عنوان یکی از دیون بر ذمه ورشکسته از سوی مدیر تصفیه این دین احراز شده باشد. بر حسب نظر برخی از حقوق‌دانان، این وضعیت به‌واسطه انتقال طلب است. انتقال طلب بین تجار و غیر آن به‌طور متناوب استفاده می‌شود. به تجار این امکان را می‌دهد که مطالبات خود از ثالث را به یک مؤسسه اعتباری منتقل نمایند و مؤسسه پیش‌گفته وجه آن را پرداخت کرده، به‌عنوان قائم‌مقام به مدیون اصلی مراجعه می‌کند. از جهت حق تقدم طلبکار، نه‌تنها به خصیصه حق تقدم عقد رهن اشاره شده، بلکه استدلال می‌شود که طلب موضوع عقد رهن از دارایی مدیون به دارایی طلبکار منتقل شده است و باید استیفا گردد (Synvet, 2007, p 63). رویه قضایی فرانسه در سال 2010 نسبت به عقود رهنی منعقد شده قبل از سال 2006 نیز چنین رویه‌ای را اعمال و به این موضوع استناد نمود که طلبکار دارای حق تقدم است و در صورتی که پروسه شکلی در جریان انعقاد عقد رهن رعایت شده باشد، از جمله آنکه عقد رهن به اطلاع مدیون رسیده باشد، طلبکار وارد صف غرما نمی‌شود (RDC 2010. Bull. civ. IV, no 94 ; Com. 26 mai 2010, no 09-13.388 ; 13338, obs. A. Aynès; D. 2010. 2201, note N. Borga; RD banc. fin. juill.-août 2010, no 142, obs. (A. Cerles; RTD civ. 2010. 597).

5. رهن دین در حقوق ایران

1.5. مبانی فقهی و قانونی ایران و نقد تحلیلی آن

فقه امامیه، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین نظام‌های حقوقی در حوزه قراردادهای تضامین، عقد رهن را به‌عنوان نهاد اصلی تضمین دیون، بر پایه سه رکن بنیادین استوار ساخته است: نخست، استقرار دین بر ذمه مدیون، به این معنا که التزام مالی باید قطعی و مسلم باشد، نه معلق یا نامعین، تا وثیقه بتواند کارکرد واقعی خود را ایفا کند؛ دوم، عین بودن مال الرهانه، به این معنا که موضوع رهن باید دارای وجود خارجی، ملموس و مشخص باشد و قابلیت تسلیم و استیلا داشته باشد؛ و سوم، تحقق قبض فیزیکی پیش از کمال عقد، زیرا قبض به‌عنوان جزء ارکان ماهوی عقد، ضامن امکان فروش و استیفای طلب از محل رهنه تلقی شده است (حسینی روحانی، 1412، ص 55). این سه شرط به‌هیچ‌وجه امری تصادفی یا صرفاً شکلی نبوده، بلکه در قالب پاسخ به نیازهای امنیت معاملات در جامعه‌ای شکل

گرفته‌اند که فاقد ثبت رسمی معاملات، بانک اطلاعات جامع دارایی‌ها، نظام رهگیری مالکیت و ابزارهای پیچیده نقدینگی بوده است (خویی، 1393، ص 16). در چنین بستر تاریخی، تنها راه ایجاد وثیقه معتبر برای طلبکار، انتقال واقعی یا موقت تسلط بر مال مادی به وی بود، تا هر زمان که مدیون از ایفاء تعهد خود امتناع ورزد، طلبکار بتواند از طریق فروش آن به حقوق خود برسد. بر همین مبنا، طلب، حق اعتباری و سایر اموال غیرمادی به دلیل نداشتن صورت خارجی که امکان قبض و فروش آن به‌طور مستقیم فراهم باشد، از شمول عقد رهن کنار گذاشته شد و نگاه تک‌بعدی به وثیقه که آن را منحصر به عین مادی و اغلب غیرمنقول می‌کند تثبیت گردید. این رویکرد در قانون مدنی ایران نیز با اقتباس مستقیم از متون فقهی، به‌ویژه در مواد ۷۷۴ و ۷۷۵، بازتاب یافته و تاکنون ساختار اصلی خود را حفظ کرده است، هرچند تحولات اقتصادی و حقوقی معاصر، آن را با چالش‌های قابل توجهی مواجه ساخته است (شهبازی نیا، 1386، ص 123).

برداشت سنتی فقه امامیه از عین معمولاً آن را به موجودیت‌های مادی، محسوس و قابل رؤیت فرو می‌کاهد؛ مصادیقی که قابلیت لمس، توزین یا مشاهده مستقیم دارند و حدود و ابعاد فیزیکی‌شان مشخص است. این تعریف، هرچند در بستر اقتصادی سده‌های پیشین منطقی می‌نمود، در شرایط کنونی که ساختار اقتصاد بر دارایی‌های غیرمادی مانند مطالبات تجاری، سهام شرکت‌ها، اوراق بهادار و حقوق مالکیت فکری متکی است، موجب کنار گذاشتن بخش مهمی از سرمایه‌های مؤثر از چرخه تضامین می‌شود. افزون بر این، به دلیل پیوند عمیق میان شرط عین بودن و شرط قبض، مفهوم قبض نیز صرفاً در معنای استیلا فیزیکی و تحویل واقعی مال تفسیر شده است. به بیان دیگر، همان‌طور که عین فقط به موجودیت مادی محدود شده، قبض نیز تنها زمانی معتبر دانسته شده که با تصرف حسی همراه باشد. این تفسیر مضیق، در حالی که با واقعیت اقتصادی امروز فاصله دارد، عملاً توانایی عقد رهن در پاسخ‌گویی به نیازهای بازارها و معاملات مدرن را محدود ساخته و دامنه کارکرد آن را به اموال غیرمنقول یا معدود منقولات فیزیکی کاهش داده است (انصاری، 1379، ص 309).

حقوق‌دانان و فقهای معاصر با اتکا به مبانی عرفی و عقلایی مفهوم مال، بر این باورند که حصر عقد رهن به عین مادی فاقد پشتوانه اجتناب‌ناپذیر فقهی است. در فقه امامیه مواردی وجود دارد که قبض،

صرفاً جنبه اعتباری دارد، مانند بیع صرف، هبه مال فی الذمه یا انتقال اوراق بهادار، که در آن‌ها تسلیم واقعی مال ناممکن یا غیرضروری است ولی عقد معتبر شناخته می‌شود. از این رو، امکان توسعه مفهوم قبض به اشکال نهادی و اعتباری نظیر ثبت رسمی، اعلام به بدهکار اصلی یا واگذاری سند نمایندگی در چارچوب اصول فقهی وجود دارد. همچنین، اطلاق ماده ۷۹۱ قانون مدنی که جانشینی بدل کلی را در صورت تلف رهنه تجویز می‌کند، نشان می‌دهد که قانون‌گذار پیشاپیش به وثیقه‌گذاری اموال کلی، و متعاقباً اموال اعتباری، توجه داشته است. به علاوه، غیرآمره بودن حکم ماده ۷۷۴ اجازه می‌دهد که با توافق طرفین، رهن دین یا طلب نیز معتبر شناخته شود. این استدلال‌ها، همراه با نمونه‌های موفق اجرایی در دیگر عقود، مبنای حقوقی و فقهی لازم برای پذیرش رهن طلب را فراهم می‌آورد (قاسم‌زاده و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۹۰).

کاربردهای عملی در نظام بانکی و مالی ایران به‌روشنی نشان می‌دهد که حتی در غیاب تغییر صریح نصوص قانون مدنی، زمینه پذیرش رهن اموال اعتباری و مطالبات از جمله طلب به‌طور تدریجی و غیررسمی در حال شکل‌گیری است. نهادهایی مانند خرید دین، رهن سهام، توثیق سپرده‌های بانکی و حتی استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی به‌عنوان وثیقه، مصادیق برجسته‌ای هستند که در آن بانک‌ها و مؤسسات مالی بدون برآورده شدن شرط قبض مادی و بدون وجود عین فیزیکی، اقدام به اعتباردهی بر اساس حقوق اعتباری می‌کنند. این رویکرد در مصوبات و دستورالعمل‌های متعدد شورای پول و اعتبار مانند آیین‌نامه اجرایی خرید دین مصوب ۴ شهریور ۱۳۸۵ یا مصوبه ۱۳ تیر ۱۳۶۶ در خصوص تسهیلات ویژه طرح‌های ابتکاری به رسمیت شناخته شده و نظارت شورای نگهبان بر آن، مشروعیت فقهی و قانونی این اقدامات را تقویت کرده است (همدانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۳).

از سوی دیگر، رشد شاخه‌های مختلف بازار سرمایه، از جمله بورس اوراق بهادار و بازار بدهی، عملاً ارزش اقتصادی وثیقه‌های غیرمادی را تثبیت کرده است. امروز، بخش بزرگی از دارایی‌های شرکت‌ها و فعالان اقتصادی نه در قالب اموال منقول یا غیرمنقول مادی، بلکه در قالب سهام، اوراق بدهی، مطالبات ثبت‌شده و سایر حقوق مالی تعریف می‌شود. نادیده گرفتن این بخش از دارایی‌ها به معنای مسدود ساختن یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی و کاهش کارایی نظام تضامین است. در مقابل،

پذیرش این دسته از وثایق بدون اصلاح ساختاری، خطراتی مانند عدم شفافیت مالکیت، امکان توثیق مکرر یک مال و افزایش دعاوی حقوقی بر سر تقدم طلبکاران را به همراه دارد. از منظر تطبیقی نیز تجربه فرانسه نشان می‌دهد که گذار موفق از وثیقه‌گذاری صرفاً مادی به پذیرش کامل وثایق اعتباری، تنها با اتکا به رویه عملی و مصوبات پراکنده محقق نشده، بلکه بر بستر یک نظام ثبت متمرکز وثایق، الزام شفافیت اطلاعاتی، و کنترل کامل جریان نقل و انتقال دارایی‌ها استوار بوده است. در ایران، فقدان این زیرساخت‌ها عملاً پاشنه آشیل هرگونه اصلاح عملی محسوب می‌شود. بنابراین، استمرار روند کنونی پذیرش محدود و غیررسمی رهن طلب، بدون ایجاد سازوکار نهادی برای شناسایی، ثبت و رهگیری مطالبات، می‌تواند موجب افزایش ریسک حقوقی، کاهش اعتماد بازار، و در نهایت بی‌اثر شدن ماهیت تضمینی عقد رهن شود. بر این اساس، اصلاح رسمی قوانین و ایجاد نهادهای ثبت و پایش وثایق منقول مشابه مدل فرانسه، شرط لازم برای تبدیل این روند پراکنده به یک رژیم حقوقی پایدار و کارآمد است (شکری، 1388، ص 195).

تحولات اخیر نظام بانکی ایران نیز نشانه‌ای از حرکت تدریجی به‌سوی پذیرش وثیقه بر اموال منقول و اعتباری است. به‌موجب بخشنامه مورخ ۱۴۰۴/۵/۹ بانک مرکزی که در اجرای آیین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» صادر شده، به شبکه بانکی کشور امکان داده شده است تا از ۳۵ نوع دارایی به‌عنوان وثیقه رسمی برای اعطای تسهیلات استفاده کند. فهرست این دارایی‌ها شامل انواع اوراق بهادار بورسی و فرابورسی، دارایی‌های ثبت‌شده نزد شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، و حتی سهام عدالت است. این بخشنامه با گسترش دامنه مصادیق وثیقه به اموال غیرمادی و دارایی‌های اعتباری، گامی عملی در جهت تضعیف انحصار تاریخی وثیقه بر اموال غیرمنقول و عینی محسوب می‌شود. در واقع، پذیرش رسمی این دسته از دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه نه تنها هم‌سو با رویکرد موسع در فقه و حقوق ایران است، بلکه از نظر کارکردی، ایران را به مدل‌های نوین حقوقی نظیر فرانسه که مدت‌هاست نظام وثایق منقول کارآمد را اجرا کرده‌اند، نزدیک‌تر می‌سازد. این تحول، اگر با ایجاد سامانه جامع ثبت و رهگیری این وثایق و الزامات شفافیت اطلاعاتی همراه شود، می‌تواند زیرساخت نهادی لازم برای پذیرش عملی و گسترده رهن طلب را در آینده فراهم آورد.

2.5. تحلیل تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در رهن طلب و ساختارهای اجرای آن

نظام حقوقی فرانسه مسیر گذار از برداشت کلاسیک به پذیرش گسترده رهن بر اموال منقول، از جمله طلب، را با اصلاحات بنیادین قانونی آغاز کرده است. اصلاحات سال ۲۰۰۶ و متعاقب آن الحاقات به قانون مدنی و قانون پولی و مالی، زمینه شمول عقد رهن را بر مطالبات کنونی و حتی مطالبات آینده فراهم آورده‌اند. در این چارچوب، طلب چه به صورت مستقل و چه به همراه منافع تبعی آن موضوع عقد رهن قرار می‌گیرد و مرتهن با ثبت رسمی و اطلاع‌رسانی به بدهکار اصلی، تقدم حقوقی خود را در برابر سایر طلبکاران تثبیت می‌کند. این تغییر نگرش حاصل دو عامل حیاتی بوده است: نخست، وجود یک نظام ثبت متمرکز و وثایق منقول که امکان رهگیری مالکیت و وضعیت حقوقی هر طلب را فراهم می‌آورد؛ دوم، شفافیت کامل در اطلاعات اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی که به طلبکاران و مراجع قضایی اجازه می‌دهد قبل از انعقاد عقد رهن، وضعیت دارایی مدیون را به‌دقت ارزیابی کنند. همین دو زیرساخت موجب شده است که رهن طلب در فرانسه نه یک ابتکار پراکنده و موردی، بلکه یک ابزار مالی روزمره و ایمن باشد (Aynès, 2007, p. 47).

در حقوق فرانسه، کلید کارآمدی رهن طلب، نظام ثبت متمرکز و شفاف وثایق منقول است که بر پایه ترکیبی از مقررات قانون مدنی، قانون پولی و مالی، و آیین‌نامه‌های اجرایی اداره ثبت تجاری و مالی شکل گرفته است. هر وثیقه منقول، اعم از مادی یا اعتباری، باید در پایگاه‌های رسمی مشخص ثبت شود و این ثبت واجد اثر تملیکی و اطلاع‌رسانی در برابر اشخاص ثالث است. پایگاه مذکور نه تنها شامل اطلاعات شناسایی دقیق راهن و مرتهن، بلکه مشتمل بر مشخصات فنی و حقوقی طلب، مبلغ، سررسید، ماهیت منافع تبعی، و در صورت وجود، شرایط خاص اجرای حق مرتهن است. مهم‌تر آنکه، تاریخ و ساعت ثبت به‌صورت دقیق درج می‌شود تا حق تقدم طلبکاران بر اساس اصل سبقت در ثبت تعیین گردد. این نظام، با جلوگیری از توثیق مکرر یک طلب یا ایجاد حقوق متعارض، ریسک حقوقی را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد. علاوه بر کارکرد ثبت، سیستم فرانسوی مکانیسم‌های الزام‌آور اطلاع‌رسانی به بدهکار اصلی را نیز پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده 2356 قانون مدنی و مواد L. 211-37 تا L. 211-20 قانون پولی و مالی، ارسال اخطار رسمی به بدهکار از سوی مرتهن یا راهن،

شرط لازم برای قابلیت استناد رهن در برابر او محسوب می‌شود. این الزام، به‌ویژه در دعاوی اجرا یا ورشکستگی، جایگاه مرتهن را تثبیت می‌کند و مانع آن می‌شود که بدهکار با پرداخت به شخص غیرذی‌حق، عملاً حق مرتهن را دور بزند. افزون بر این، مقررات متضمن دسترسی عمومی و برخلاف به داده‌های ثبت‌شده هستند، تا نه تنها طلبکاران بالقوه بلکه نهادهای اعتبارسنجی، بانک‌ها، و حتی مراجع قضایی بتوانند در هر لحظه وضعیت حقوقی طلب و بار حقوقی آن را بررسی کنند. ترکیب این شفافیت اطلاعاتی و ترتیب زمانی در ثبت، فضایی ایجاد می‌کند که در آن رهن طلب در فرانسه به‌عنوان یک ابزار مالی ایمن، قابل پیش‌بینی و کم‌ریسک عمل می‌کند (Bourassin, 2014 p. 59).

در مقابل، نظام حقوقی و نهادی ایران فاقد زیرساخت‌های مشابه برای ثبت و رهگیری وثایق منقول است. هرچند در قالب سامانه‌هایی مثل ثبت معاملات اموال غیرمنقول یا سامانه ثبت وثایق بانکی اقداماتی محدود انجام شده، اما هیچ بانک اطلاعاتی جامع و یکپارچه برای ثبت و استعلام وضعیت حقوقی مطالبات، اوراق بهادار یا سایر اموال اعتباری وجود ندارد. این خلأ موجب می‌شود که طلب یا حق اعتباری به‌طور هم‌زمان به چند مرتهن مختلف واگذار یا توثیق شود، بدون آنکه طلبکاران بعدی از وجود حق تقدم دیگران مطلع باشند. همچنین، ضعف نظام اعتبارسنجی و نبود الزامات قانونی دقیق برای افشای وضعیت مالی مدیون، مانع از آن می‌شود که طلبکار بتواند پیش از انعقاد عقد رهن، ارزیابی دقیقی از میزان ریسک بازیافت طلب داشته باشد. این وضعیت در عمل، امنیت حقوقی رهن طلب را کاهش داده و آن را به ابزاری کم‌اعتماد در روابط مالی بدل می‌کند (کریمی، 1376، ص 22).

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که کارآمدی رهن طلب در فرانسه نه صرفاً نتیجه اصلاحات شکلی در مواد قانونی، بلکه پیامد ایجاد چارچوب نهادی چندلایه است که به‌طور هماهنگ عمل می‌کند. نخستین لایه، نظام ثبت متمرکز و یکپارچه وثایق منقول است که قابلیت اتصال به پایگاه‌های هویتی، نظام بانکی، دفاتر اسناد رسمی و مراجع قضایی را دارد و بدین‌وسیله امکان رهگیری لحظه‌ای وضعیت هر طلب را فراهم می‌سازد. دومین لایه، شفافیت اطلاعات مالی راهن از طریق الزام به افشای کامل و به‌روز وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌هاست که به مرتهن و سایر طلبکاران اجازه می‌دهد ریسک حقوقی را با دقت محاسبه کنند. سومین لایه، ضمانت اجرای مؤثر قانونی و قضایی است که امکان استیفای

سریع و بدون فرسایش زمان و هزینه را تضمین می‌کند، چه از طریق فروش مال مرهونه و چه از طریق پرداخت مستقیم از محل طلب باشد.

در ایران، فقدان این سه لایه موجب می‌شود که حتی با تصویب قوانین موسع در باب رهن طلب، این ابزار در عمل با مشکلاتی چون توثیق مضاعف، دعاوی طولانی‌مدت، و بی‌اعتمادی نهادهای مالی مواجه شود. راهکار عبور از این وضعیت، اتخاذ یک رویکرد هم‌زمان اصلاحی است که از یک‌سو با ایجاد سامانه ملی ثبت وثایق منقول و اعتباری، بستر نهادی لازم را فراهم کند، و از سوی دیگر، از طریق اصلاح قانون مدنی و قوانین خاص بانکی، مفهوم قبض را از معنای صرفاً مادی به معنای اعتباری و نهادی توسعه دهد و اطلاع‌رسانی به بدهکار را شرط اثر در برابر اشخاص ثالث قرار دهد. تنها در صورتی که این اصلاحات نهادی و قانونی به صورت هم‌افزا اجرا شوند، می‌توان به کارایی عملی، امنیت حقوقی، و پذیرش گسترده رهن طلب در نظام حقوقی و اقتصادی ایران امید داشت. فرانسه این مسیر را با اتکا به پیوند منسجم میان قانون‌گذاری و ساختارهای اجرایی طی کرده است، و تجربه آن نمونه‌ای عینی از امکان همگرایی موفق در بسترهای حقوقی متفاوت به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی سیر تحول رهن اموال منقول، به‌ویژه مطالبات، نشان می‌دهد که نقطه تمایز اصلی میان حقوق فرانسه و ایران در برداشت‌های نظری از دو مؤلفه بنیادین مال مرهونه و قبض نهفته است. نظام حقوقی فرانسه که در طول دو قرن گذشته همواره در معرض اصلاحات ساختاری و شفاف‌سازی نظام ثبت و مالکیت بوده است، در اصلاحات سال ۲۰۰۶ با عبور از محدودیت سنتی عینیت رهن، مفهوم قبض را از معنای مادی و فیزیکی صرف، به قلمرو تسلط اعتباری و حقوقی گسترش داد. این تحول مبنایی، ابزارهای تأمین دین را از حوزه محدود اموال غیرمنقول به بیانیه‌ای جامع شامل مطالبات حال و مؤجل، سهام، حساب‌های بانکی، حقوق مالکیت فکری و حتی بیمه عمر بسط داده است. این پذیرش گسترده نه تنها محصول رویکرد مترقی قانون‌گذار به مقتضیات بازار و تجارت، بلکه نتیجه تعامل مثبت میان نص قانون، دکترین حقوقی، و رویه قضایی در انطباق قواعد سنتی با نیازهای نوین بوده است.

از سوی دیگر، مبانی نظری رهن در حقوق ایران عمدتاً بر برداشت کلاسیک فقه امامیه از ماهیت عینیت رهنه و لزوم قبض مادی استوار است؛ برداشتی که ریشه در منطق تاریخی حمایت از طلبکاران در شرایط فقدان نظام ثبت شفاف و فقدان ابزارهای نظارت مالی الکترونیک داشته است. این ساختار موجب شده که رهن مطالبات یا سایر دارایی‌های اعتباری در چهارچوب سنتی باطل یا غیرممکن تلقی شود. با این حال، مطالعه تحلیلی مواد ۷۷۴ و ۷۹۱ قانون مدنی و نیز بررسی آراء فقهایی که قبض را صرفاً در معنای فیزیکی آن معتبر نمی‌دانند، نشان می‌دهد که این محدودیت جنبه آمره مطلق و غیرقابل تغییر ندارد. افزون بر آن، امکان جایگزینی قبض مادی با قبض اعتباری از رهگذر اسناد رسمی، ثبت در دفاتر بانکی و سیستم‌های الکترونیکی، می‌تواند بدون نقض اصول فقهی، دایره شمول رهنه را به اموال اعتباری نیز گسترش دهد.

مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که مزیت اصلی مدل فرانسوی نه صرفاً در پذیرش مفهومی رهن طلب، بلکه در تأسیس یک نظام منسجم ثبت، اطلاع‌رسانی و اولویت‌بندی حقوق عینی نسبت به مال مرهونه است که امنیت قضایی و اقتصادی را تضمین می‌کند. بنابراین، تجربه فرانسه اثبات می‌کند که حذف مانع عینیت به معنای حذف ضمانت اجرای حقوق طلبکاران نیست، بلکه برعکس، می‌توان با ایجاد ابزارهای نظارتی و ثبت دقیق، کارایی اقتصادی و اعتبار حقوقی رهن را افزایش داد. از این منظر، حقوق ایران نیز می‌تواند با اتخاذ رویکردی مشابه و بهره‌برداری از ظرفیت‌های خود در قوانین بانکی، تجاری و فناوری مالی، مفهوم مال مرهونه را با مقتضیات امروز بازتعریف کند تا رهن مطالبات، سهام، و سایر حقوق مالی به‌عنوان ابزارهای معتبر تأمین دین به‌کار گرفته شوند. چنین اصلاحی، همسو با مبانی فقهی، موجب پویایی نظام تأمینات و ارتقای جایگاه آن در نظام حقوقی و اقتصادی خواهد شد. تجربه حقوق فرانسه نشان می‌دهد که سازگاری قواعد سنتی با واقعیت‌های اقتصادی، نیازمند دو حرکت هم‌زمان است: نخست اصلاح مفهومی قواعد بنیادین، و دوم ایجاد زیرساخت‌های اجرایی و نهادی تضمین‌کننده شفافیت و امنیت مبادلات. پذیرش رهن مطالبات در فرانسه پس از اصلاحات سال ۲۰۰۶ نه تنها بدون ایجاد خلل در حقوق طلبکاران محقق شد، بلکه با کاهش هزینه‌های مبادلات، افزایش گردش اعتبار و تقویت بازار سرمایه همراه بود. این تجربه ثابت می‌کند که نهاد رهن در صورتی که به‌طور هدفمند توسعه یابد، می‌تواند به یکی از کارآمدترین ابزارهای تأمین مالی در سطح کلان

اقتصادی تبدیل شود؛ مشروط بر آن که نظام ثبت، افشای اطلاعات و اولویت‌بندی حقوق عینی نسبت به سایر طلبکاران با دقت و استمرار اجرا گردد.

در حقوق ایران، هرچند بستر قانونی حال حاضر با محدودیت‌های ناشی از تفسیر مضیق از مواد ۷۷۴ و ۷۹۱ مواجه است، اما تحولات اخیر در حوزه بانکداری، فناوری مالی و مقررات شورای پول و اعتبار، فرصت مناسبی را برای بازنگری در این تفسیرها فراهم کرده است. ابزارهایی مانند سامانه ثبت رسمی وثایق منقول، امکان نظارت سیستمی بر حساب‌ها و مطالبات، و ثبت الکترونیکی قراردادهای ظرفیت‌های فنی لازم برای پذیرش قبض اعتباری را فراهم می‌سازند. از منظر فقهی نیز، اتکای صرف به قبض مادی در عصری که معاملات بخش عمده‌ای از دارایی‌ها بر پایه داده‌ها و اعتبارات غیرملموس شکل می‌گیرد، به دور از مقتضیات عرفی و عقلی است و می‌توان با تفسیر موسع، مبنای پذیرش وثیقه‌گذاری مطالبات و سایر اموال اعتباری را فراهم کرد.

بر این مبنا، پیشنهاد می‌شود که اصلاحات حقوقی ایران در سه محور جریان یابد: نخست، بازخوانی ماده ۷۷۴ و انتقال آن از شرط عینیت به شرط مالیت، به گونه‌ای که شامل اموال اعتباری نیز گردد؛ دوم، طراحی و تقویت نظام ثبت و اطلاع‌رسانی وثایق منقول مشابه نظام فرانسوی، برای جلوگیری از تعارض حقوقی و حمایت از مرتهن؛ و سوم، تدوین رویه قضایی منسجم در پذیرش قبض اعتباری و شناسایی ارزش اجرایی آن در محاکم. این سه گام، با هماهنگی میان قوه مقننه، قوه قضاییه و نهادهای مالی، امکان همسویی با تجارب موفق بین‌المللی را فراهم می‌آورد و ظرفیت نهاد رهن را از یک ابزار سنتی محدود، به یک ابزار مدرن و چندبُعدی در خدمت رشد اقتصادی و تأمین امنیت مبادلات ارتقاء می‌دهد.

منابع

الف) فارسی

1. انصاری، مرتضی، (1379)، مکاسب، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات محبین
2. توفیق، علیرضا (1403)، حقوق بانکی کاربردی، جلد اول، تهران، انتشارات اشکان
3. حسینی روحانی، سید محمدصادق (1412ق)، فقه الصادق، جلد پانزدهم، چاپ سوم، قم، مؤسسه دارالکتاب
4. قاسم‌زاده، مرتضی، فلاح‌نژاد و فاطمه، (1398)، بررسی جایگاه خرید دین در نظام بانکی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره 24 شماره 85
5. شکری، فریده، (1388)، مطالعه تطبیقی رهن اموال غیرمادی در حقوق ایران و آمریکا، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
6. شهبازی‌نیا، مرتضی (1386)، انتقال و توثیق ضمانتنامه مستقل بانکی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره 11، شماره 51
7. خویی، سید ابوالقاسم (1393)، مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد دوم، چاپ دوم، قم، سیدالشهدا
8. کاتوزیان، ناصر، (1376)، عقود معین (جلد 4)، عقود اذنی - وثیقه‌ای دین، چاپ دوم، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، انتشارات مدرس
9. کریمی، عباس، (1376)، رهن دین، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 38
10. همدانی، آقارضا، (1377)، مصباح الفقیه، جلد سوم، چاپ سنگی، مکتب صدر

ب) لاتین

Ouvrages

11. Domat, Jean, (1696), Les lois civiles dans leur ordre naturel, liv. III, tit. I, sect. IV, V, 2e éd
12. Legais, Dominique, (1986), Les garanties conventionnelles sur créances, th. Economica

13. Billiau, Marc, Mestre, Jacques, Putman, Emmanuel, (1996), Droit spécial des sûretés réelles, LGDJ
14. Leblond, Nicolas, (2007), Assurances et sûretés, thèse dactyl., Paris II, nos 516 s., spéc. no 521
15. Billiau, Marc, Mestre, Jacques, Putman, Emmanuel, (1996), Droit spécial des sûretés réelles, LGDJ

Articles

16. Aynès, Laurent, (2007), Le nouveau droit du gage, Dr. et patr. juill.-août. 48 s., spéc
17. BOURASSIN, Manuella, (2014), Sûretés mobilières et sûretés immobilières, une véritable summa divisio ?, RD banc. fin. sept.-oct
18. Synvet, Hervé, (2007), Le nantissement de compte, Dr. et patr. no 161, juill.-août
19. Gijssbers Charles et Julienne, Maxime, (2015), La clause de blocage conservatoire du compte nanti, RLDC janv
20. Auckenthaler, Franck, (2005), Compensation, garantie, cession : le nouveau régime des obligations financières, JCP

Jurisprudence

21. Com. 19 mai 1980, Bull. civ. IV, no 293, D. 1980. 443, note A. Bénabent
22. Com. 23 janv. 2001, no 98-10.974
23. Com. 5 mars 1985, Bull. civ. IV, no 86 ; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 573
24. Com. 16 avr. 1996, no 94-14.618

25. Com. 15 oct. 1991, no 90-10.530 , Bull. civ. IV, no 91, RTD com. 1992. 434, obs. M. Cabrillac et B. Teyssié
26. Com. 5 mars 1985, Bull. civ. IV, no 86 ; 28 avr. 1987, ibid. IV, no 96, D. 1988. Somm. 57
27. Com. 26 mai 2010, no 09-13.388 , Bull. civ. IV, no 94 ; RDC 2010. 13338, obs. A. Aynès ; D. 2010. 2201, note N. Borga ; RD banc. fin. juill.-août 2010, no 142, obs. A. Cerles ; RTD civ. 2010. 597
28. Com. 14 janv. 2014, no 12-22.909 , D. 2014. 206, obs. A. Lienhard ; JCP 2014. Doctr. 636, no 7, obs. Ph. Pétel
29. Civ. 2e, 2 juill. 2020, no 19-11.417 , D. 2020. 1452 ; Rev. prat. rec. 2020. 6, obs. D. Cholet ; Rev. prat. rec. 2020. 7, obs. D. Cholet
30. Com. 12 juill. 2005, no 04-10.214 , Bull. civ. IV, no 175, D. 2005. 2142, obs. X. Delpech , JCP 2005. I. 185, no 17, obs. Ph. Delebecque

References

31. Ansari, M, (1990), Makaseb, Volume 1, First Edition, Qom, Mohebeen Publications, (In Persian)
32. Tofigh, A, (1994), Applied Banking Law, Volume 1, Tehran, Ashkan Publications, (In Persian)
33. Hosseini Rouhani, Seyyed, (1992), Fiqh al-Sadiq, Volume 15, Third Edition, Qom, Dar al-Kitab Institute, (In Persian)
34. Ghasemzadeh, M, Fallahnejad and F, (2019), Investigating the Position of Buying Religion in the Iranian Banking System”, Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives, Volume 24, Issue 85, (In Persian)
35. Shokri, F, (2009), Comparative Study of Mortgage of Intangible Assets in Iranian and American Law, Ph.D. Thesis, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, (In Persian)

36. Shahbazinia, M, (2007), Transfer and Verification of Independent Bank Guarantee, Modares Humanities Quarterly Journal, Volume 11, Issue 51, (In Persian)
37. Khoei, S, (2014), Misbah al-Fiqah fi al-Ma'alat, Volume 2, Second Edition, Qom, Seyyed al-Shuhada, (In Persian)
38. Katouzian, N, (1997), Mu'in Contracts (Volume 4), Promissory-Secure Contracts of Religion, Second Edition, Publishing Company in Cooperation with Bahman Borna Company, Modarres Publications, (In Persian)
39. Karimi, A, (1997), Rahne al-Din, Journal of the Faculty of Law and Political Sciences, Issue 38, (In Persian)
40. Hamedani, A, (1998), Misbah al-Faqih, Volume 3, Lithography, Sadr School, (In Persian)

مقاله پذیرش شده